

تعدیلات اقتصادی و سهم واردات در تولید

از اوایل دهه ۱۹۸۰ و بعد از شروع بحران بدهی بین المللی، رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، خصوصاً "کشورهایی که بشدت بدهکارند و از بازارهای مالی خصوصی به میزان زیادی واک گرفته اند و مشکلات اخیر در بازپرداخت بدهی را تجربه کرده اند، بشدت کند شد. در صورتی که متوسط نرخ رشد جمعیت را ۲-۳ درصد در سال بحساب آوریم، واضح است که درآمدهای سرانه واقعی در این کشورها نه تنها افزایش نیافته بلکه حتی در این دهه کاهش نیز داشته است.

جامعه بین المللی تلاش می نماید تا به کشورهایی که با مشکل قروض خارجی روبرو هستند کمک کند تا با ردیگر به رشد اقتصادی دست یابند و همزمان در این کشورها تعدیلات اقتصادی تشویق شود. ترازجاری کشورهای در حال توسعه در رفع این مشکلات از اهمیت کلیدی برخوردار است. با کمال تأسف، معمولاً بهبود ترازجاری بیشتر از طریق کاهش حجم واردات حاصل می شود تا افزایش صادرات. با تاکید مداوم بر کاهش واردات با پیدایش انتظار انعکاس آن بر رشد میان مدت و کوتاه مدت یک کشور را داشت، مگر این که کاهش سهم واردات در رشد آن کشور - نرخ رشد نسبت واردات به تولید - تا ثیری جبران کننده داشته باشد.

کاهش واردات جهت تعدیلات اقتصادی

.....

برای کشورهای در حال توسعه واردکننده سرمایه، تعدیلات اقتصادی مستلزم بهبودی ناگهانی در تراز تجاری آنها بوده است. تراز تجاری این کشورها از کسری ۶۷/۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۱ به مسا ز ۹/۹۵ میلیارد دلار در چهار سال بعد رسید. طی همان دوره، کشورهای با جدی‌ترین مشکل بدهی نیز تعدیلات نسبتاً "مؤثری" را انجام دادند. خصوصاً، "پانزده کشور بدهکار عمده، ما ز اد تجاری خود را تا ۴۷/۴ میلیارد دلار افزایش دادند. از آنجا که کشورهای در حال توسعه با قطع واقعی جریان سرمایه خصوصی و تعهدات انبوه در مورد بدهیهای با بهره بالا که تا سال ۱۹۸۱ ایـالا آورده بودند مواجه بودند، بعداً و ا وسط ۱۹۸۲، تعدیلات تراز تجاری در این کشورها اجباری شد. یکی از نشانه‌های تحمیل پرداخت بهره بر رونـد تعدیلات، این حقیقت است که در سال ۱۹۸۵ کشورهای واردکننده سرمایه، ۷۹ میلیارد دلار (۱۴ درصد درآمدهای صادراتی آنها) برای بهره بدهیهای خود پرداخت کردند، که بیش از نیمی از این رقم (۴۳ میلیارد دلار یا ۲۹ درصد درآمدهای صادراتی آنها) بوسیله پانزده کشور بدهکار عمده پرداخت شد.

در تا کید شدیدی بر روی کاهش واردات به عوض رشد صادرات (در روند تعدیلات اقتصادی کشورهای در حال توسعه) عوامل خارجی و داخلی هر دو مؤثر بوده اند. در رأس عوامل خارجی، متوسط نرخ رشد کند در کشورهای صنعتی طی دوره ۱۹۸۲-۸۵ و سیاستهای حمایتی محدودکننده دستیابی به بازارهای آنها - که تقاضا برای صادرات را کاهش داد - بوده است. عوامل عمده داخلی در ارتباط با انگیزه‌های نامناسب برای صادرات، شامل: تعیین نرخ ارزها در سطحی بیش از ارزش واقعی آنها، سیاستهای تجاری طراحی شده جهت ترویج جایگزینی واردات و سرمایه‌گذاری عمومی غیرمؤثر، بوده است.

برای تعداد زیادی از کشورهای در حال توسعه، رشد حجم صادرات با سرعت سالهای ۱۹۷۳-۸۱ ادامه نیافت. کندی رشد صادرات توأم با تحولات زیانبار را بطه مباده در سالهای اخیر بدان معنی است که سنگینی بار تعدیلات تراز تجاری بر واردات قرار گرفته است. در حقیقت، کل حجم واردات کشورهای در حال توسعه طی دوره ۱۹۸۲-۸۵ کاهش یافته است. برای پانزده کشور در حال توسعه بدهکار عمده، واردات بطور متوسط سالانه بیش از ۱۵ درصد (به قیمت‌های ثابت) کاهش یافته است (جدول را نگاه کنید).

این دورنما که عرضه منابع مالی خارجی طی دوره میان مدت همچنان محدود خواهد ماند، حاکی از آن است که تعدیلات عظیم تراز تجاری که توسط بسیاری از کشورهای در حال توسعه ظرف چهار سال گذشته بدست آمده است، لزوماً "می‌باید تداوم یابد. البته دستیابی به این هدف نیاز به ترکیبی از تشویق رشد صادرات و تداوم محدودیت واردات خواهد داشت. با توجه به حجم احتمالی تعدیلات در تراز تجاری که می‌باید در میان مدت تداوم یابد و با توجه به دیدگاه‌های موجود نسبت به رشد در بازارهای بین‌المللی، احتمال ناچیزی وجود دارد که رشد حجم واردات در کشورهای در حال توسعه بدهکار بتواند نرخهای قبل از سال ۱۹۸۲ را در آینده قابل پیش‌بینی حفظ نماید. بنا بر این چگونه ممکن است سطح مطلوب رشد درآمد واقعی در این کشورها حاصل گردد؟

سهم واردات در رشد
oooooooooooooooooooo

سطوح قابل پیش‌بینی رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه ظرف چند سال آینده را می‌توان به صورت تفاوت، بین دو عامل، تجزیه و

رشد واقعی تولید ناخالص داخلی و واردات کشورهای در حال توسعه طی دوره ۱۹۶۷-۸۵

نرخ رشد واردات (۲)			نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (۱)			
۸۵-۱۹۸۲	۸۱-۱۹۷۳	۷۲-۱۹۶۷	۸۵-۱۹۸۲	۸۱-۱۹۷۳	۷۲-۱۹۶۷	
-۱/۶	۸/۷	۷/-	۲/۶	۲/۹	۶/۱	کشورهای در حال توسعه :
-۶/۳	۷/۲	۵/۶	۰/۷	۳/-	۵/۸	آفریقا
۲/۷	۹/۸	۶/-	۶/۶	۶/-	۵/۲	آسیا
۱/۸	۲/۵	۹/۳	۲/۳	۲/۵	۶/۲	اروپا
-۴/۵	۱۵/۴	۹/۳	-۰/۱	۲/۴	۹/۵	خاورمیانه
-۹/۱	۶/۲	۷/۱	۰/۷	۵/-	۵/۹	نیمکره غربی
						بر اساس ضوابط مالی :
-۰/۵	۷/۳	۶/۹	۳/۲	۵/۱	۵/۷	کشورهای واردکننده سرمایه
-۳/۱	۸/۴	۸/۶	۱/۵	۵/۱	۶/۵	وامگیرندگان با زار
-۰/۳	۳/۴	۲/۸	۲/۲	۳/۶	۳/۲	وامگیرندگان رسمی (۱)
-۷/۲	۶/۲	۵/۹	۰/۷	۲/۵	۵/۵	کشورهای بی مشکلات اخیر با زیرداخت بدهی
۳/۸	۸/۴	۷/۷	۵/۷	۵/۶	۵/۸	کشورهای بی بدون مشکلات با زیرداخت بدهی
						بر اساس ضوابط متفرقه :
-۱۰/۱	۸/۲	۷/۲	۰/۴	۲/۸	۶/۱	۱۵ کشور بدهکار عمده
۱/-	۲/۲	۱/۲	۲/۲	۳/۵	۳/-	کشورهای کوچک با درآمدهای پایین
-۳/۷	۲/۵	۲/۷	۱/۴	۲/۴	۴/۶	کشورهای جنوب صحرائ آفریقا

منبع : International Monetary Fund, World Economic Outlook, April 1987

(۱) : تولید ناخالص داخلی اسمی که بوسیله تا آخر ضمنی تولید ناخالص داخلی تعدیل شده است .

(۲) : واردات اسمی که بوسیله تا آخر قیمت واردات تعدیل شده است .

تحلیل کرد: نرخ رشد واردات واقعی (که عبارت است از میزان کاهش واردات) و نرخ رشد نسبت واردات به تولید (یا سهم واردات در رشد) . تجزیه و تحلیل رشد از این دیدگاه مفید است زیرا بنظر می رسد کمیت واردات واقعی غالباً " ارتباط نزدیکی با سطح فعالیت های اقتصادی واقعی داشته باشد . دلیل این امر این است که نه تنها کشورهای در حال توسعه عموماً " بخش عمده ای از کالاهای واسطه ای و سرمایه ای لازم برای تولید جسامی و رشد آینده ظرفیت تولیدی خود را وارد می کنند ، بلکه درآمدهای واقعی با لاترنوعاً " منجر به افزایش تقاضا برای کالاهای مصرفی می شود که شامل کالاهای تولید شده در خارج نیز می باشد . بنا بر این تداوم کاهش واردات در کشورهای در حال توسعه احتمالاً " رشد کوتاه مدت و میان مدت آنها را متوقف خواهد ساخت ، مگر اینکه کاهش سهم واردات در رشد ، بتواند تأثیر جبران کننده ای را اعمال نماید .

یک راه برای ارزیابی زمینه چنین تأثیر جبران کننده ای این است که رابطه تاریخی بین واردات و رشد بررسی شود . طی دوره ۱۹۷۳ - ۸۱ - که از رشد بسیار لائق برخوردار بود - نرخ رشد واردات در کشورهای در حال توسعه حدود ۴ درصد بیش از نرخ رشد تولید بود (نمودار و جدول را ببینید) . علاوه بر این ، همچنان که در نمودار نشان داده شده است ، طی سالهای فوق فزونی رشد واردات بر رشد تولید - به استثنای سال ۱۹۷۵ - نسبتاً " ثابت بوده است . این موضوع نشان می دهد که یک رابطه ثابت بین این دو متغیر وجود دارد و ممکن است زمینه برای تداوم رشد تولید با کاهش سهم واردات در آن محدود باشد .

با این وجود ممکن است دوره زمانی فوق غیر عادی بوده باشد . برای ارزیابی این امر لازم است عواملی را که احتمالاً تأثیر آنها بر سهم

واردات در رشد، ظرف دوره فوق وجود دارد بررسی نمائیم. تئوری اقتصادی چنین می‌گوید که رشد حجم واردات توأم با یک نرخ مشخص رشد تولید واقعی، بستگی به چند عامل دارد که شامل موارد زیر می‌باشد:

۱- رابطه مبادله: هر چه رابطه مبادله یک کشور مطلوبتر باشد، درآمد داخلی آن بیشتر خواهد بود. این امر مصرف‌کننده را به خرج بیشتر تشویق خواهد کرد که انعکاس آن در سطوح بالاتر کالاهای مصرفی وارداتی خواهد بود. بعلاوه، سودآوری بیشتر تولید داخلی ممکن است سرمایه‌گذاری داخلی را تشویق نماید که این امر به نوبه خود واردات کالاهای سرمایه‌ای بیشتری را باعث خواهد شد.

۲- نرخ بهره واقعی: کاهش نرخ بهره واقعی، مصرف‌جاری - که شامل کالاهای وارداتی نیز می‌شود - را تشویق خواهد کرد. در همان زمان، نرخهای بهره پایین، خرید کالاهای سرمایه‌ای وارداتی را تشویق نموده و جریان را به سوی انباشتن انبارها از کالاهای واسطه‌ای وارداتی سوق می‌دهد.

۳- نرخ ارز واقعی: تقاضای کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی وارداتی بستگی به قیمت چنین کالاهایی نسبت به تولیدات داخلی مشابه آنها دارد. افزایش ارزش نرخ ارز واقعی کشور مربوطه، کاهش قیمت نسبی کالاهای وارداتی در مقابل تولیدات داخلی را به همراه دارد که تقاضای کالاهای وارداتی را افزایش می‌دهد. البته قدرت این اثر بستگی به درجه قابلیت جایگزینی بین کالاهای وارداتی و تولیدات داخلی دارد.

طی دوره ۱۹۷۳-۸۱، سه عامل فوق به نحوی عمل کردند که تقاضای واردات را تشویق نمودند و به افزایش آن کمک کردند. طی سالهای

۱۹۷۳-۷۴ کشورهای در حال توسعه واردکننده سرمایه، تغییرات بسیار مطلوبی را در رابطه مبادله خود تجربه نمودند، بهبودی که تا سال ۱۹۸۲ - علی رغم تغییر جهت نسبی در اواسط دهه - ادامه یافت. همچنین، طی سالهای ۱۹۷۶-۷۹ نرخهای بهره واقعی بین المللی غالباً منفی بود، که مقارن سال ۱۹۸۱ به سطوح مثبت قابل توجهی دست یافت. تجربه کشورهای در حال توسعه در رابطه با نرخهای ارز واقعی گوناگون بسوده است. بسیاری از کشورهای بزرگ در آمریکا لاتین و کشورهای کوچکتر در آفریقا، دستخوش دوره های افزایش زیا در نرخ ارز واقعی شدند، در حالی که کشورهای آسیایی رویهم رفته از این تجربه اجتناب نمودند.

نتایج کاهش واردات

oooooooooooooooooooo

کاهش جدی واردات را که از سال ۱۹۸۲ در کشورهای در حال توسعه بچشم می خورد می توان تا حدی به کاهش نرخ رشد تولید واقعی و تا حدی به تنزل سهم واردات در تولید نسبت داد. نرخ رشد واردات واقعی کشورهای در حال توسعه واردکننده سرمایه از متوسط سالانه $\frac{8}{7}$ درصد در سالهای ۱۹۷۳-۸۱ به $\frac{1}{6}$ - درصد در سالهای ۱۹۸۲-۸۵ کاهش یافت. این $\frac{10}{3}$ درصد تنزل در نرخ رشد را می توان به $\frac{3}{3}$ درصد کاهش در نرخ رشد تولید و ۷ درصد تنزل در متوسط رشد سهم واردات در تولید تقسیم نمود. تنزل در رشد سهم واردات تا حدی به دلگرونی عواملی که افزایش غیرعادی در سهم واردات را طی سالهای ۱۹۷۳-۸۱ تشویق کرده بودند، مربوط می باشد. در فاصله سالهای ۱۹۸۲-۸۵ رابطه مبادله کشورهای در حال توسعه واردکننده سرمایه بدتر شده بود. (متوسط شاخص رابطه مبادله آنها ۴ درصد یا بین ترا سطح سالهای ۱۹۷۳-۸۱ بود). نرخهای بهره واقعی بین المللی در سطوح بالا باقی

ماندند و بطور متوسط تا ۱۹/۶ درصد بالاتر از سطح سالهای ۱۹۷۳-۸۱ صعود کردند. بعلاوه، بسیاری از کشورهای در حال توسعه در واکنش نسبت به عوامل فوق و بحران بین المللی بدهی، غالباً "با کمک صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، بدنیا ل بهبود قابلیت رقابت خود در بازارهای جهانی بودند.

ترکیب عوامل فوق، توأم با کندی رشد تولید، به کاهش قابل توجه در رشد واردات کمک نمود. لکن کاهش واردات تا حدی فراتر از آنچه بتواند به این گونه عوامل نسبت داده شود پیش رفت. معادلات تقاضای واردات که با لحاظ نمودن این عوامل برای هر یک از کشورهای برای گروه کشورهای دوره ۱۹۷۳-۸۱ برآورد شده نتایج مورد انتظار را برای سالهای ۱۹۸۲-۸۵ بوجود نمی آورند. به عبارت دیگر این معادلات، واردات را بسیار بیشتر از واقع پیش بینی می نمایند.

یک بیان ممکن، این است که خانواده ها و شرکتها در کشورهای در حال توسعه قادر به برآورده کردن تقاضای مورد نظر خود برای واردات نبوده اند، یعنی آنها دیگر بر روی منحنی های تقاضای دلخواه خود برای واردات حرکت نمی کنند. این دیدگاه با شواهدی در این رابطه که اعمال محدودیتهای کمی بر واردات و ارز، علی رغم زیانهای آشکار آنها بر روی کارآیی اقتصادی، از شروع بحران بدهی تا کنون در کشورهای در حال توسعه بسیار جدی شده است، مطابقت دارد. این نظر وجود دارد که چنین زیانهایی در رابطه با کاهش بیش از پیش تقاضای کل، سنگین تر از تولید از دست رفته^(۱) می باشد. با این وجود، هزینه چنین ضوابطی احتمالاً با گذشت زمان، همچنان که موجودی مواد اولیه وارداتی روبه کاهش می گذارد و

(۱) Output Forgone: کاهش تولیدی که بر اثر محدودیتهای وارداتی ایجاد می شود. ۱۰۳

کالاهاى با دوام مصرفى و سرمايه‌اى مستهلک مى‌شوند ، افزايش مى‌يابد . شواهد موجود نشان مى‌دهد که طى دوره مورد نظر کاهش ذخيره‌ها ادا شده يافته‌است . براى مثال در سال ۱۹۸۵ سهم ذخيره‌سازى در رشد تقاضا بيه ميزان زيادى منفي بود .

ساير اثرات مهم ○○○○○○○○○○○○○○○○

از آنجا که بسيارى از واردات کشورهاى در حال توسعه شامل کالاهاى سرمايه‌اى و واسطه‌اى مى‌باشد ، کاهش جدى واردات در چند سال اخير ، کاهش ميزان سرمايه و سرمايه‌گذارى را به همراه داشته است . در واقع شواهد نشان مى‌دهد که ضعف سرمايه‌گذارى يکى از ويژگيهاى يقى است که بيش از همه به عملکرد اقتصادى سالهاى اخير لطمه وارد کرده است . کاهش سرمايه‌گذارى - که با زتاب عمده تعديل حسابهاى جارى خارجى در داخل است - در بخشهاى عمومى و خصوصى کشورهاى در حال توسعه به وقوع پيوسته است . از آنجا که کاهش واردات ، نرخهاى با زدهسى پيش بينى شده را کاهش مى‌دهد ، سرمايه‌گذارى خصوصى نيز تحت تأثير قرار گرفته است . بعلاوه ، براى ثرفشارفزاينده تقاضاى بخش عمومى بىسرس پس اندازهاى داخلى - جهت تأمين مالى با زپرداخت بدهيهاى خارجى - سرمايه‌گذارى خصوصى از اين گونه امکانات محروم مانده است . سرمايه‌گذارى عمومى ابتدا به دليل حساسيتهاى سياسى در کاهش برخى از انواع مخارج جارى بخشهاى عمومى و سپس به علت افزايش عظيم پرداخت بهره بدهيهاى دولت ، کاهش يافته است .

دوره طولانى کاهش واردات در کشورهاى در حال توسعه ، توام با نقش احتمالى که محدوديتهاى کمى و سهميه‌بندى ارز در ايجاد آن داشته

است، به این نتیجه گیری منجر می شود که در حال حاضر تقاضای برآورد شده عظیمی برای واردات در بسیاری از کشورهای در حال توسعه وجود دارد. وجود چنین تقاضایی نشان می دهد که نمی توان انتظار داشت که کاهش های آتی در سهم واردات در رشد، تداوم کند و گسترش حجم واردات را خنثی نماید و در نتیجه امکان تجدید سطوح مطلوب رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه را فراهم سازد. اگرچه جایگزینی تحولات مداوم در قابلیت رقابت خارجی بجای محدودیتهای کمی بر واردات و سهمیه بندی ارز، قدم مثبتی خواهد بود، لکن نباید انتظار داشت در شرایط حاضر چنین تحولاتی با وجود یک تقاضای برآورد نشده زیاده برای واردات در نرخهای ارز واقعی فعلی، اثر کوتاه مدت مطلوب و بسیاری بر سهم واردات در رشد داشته باشد. بعلاوه کاهش ارزش حقیقی نرخ ارز واقعی در کشورهای در حال توسعه، ممکن است برای با لبردن قیمت پول خارجی در بازار تا حدی که به منظور ایجاد تعادل در بازارهای کنترل نشده لازم است، کافی نباشد. در چنین صورتی، اگر محدودیتهای کمی و سهمیه بندی ارز جهت افزایش کارآیی در تخصیص آن از میان برداشته شود، احتمالاً سهم واردات در رشد در کوتاه مدت افزایش خواهد یافت.

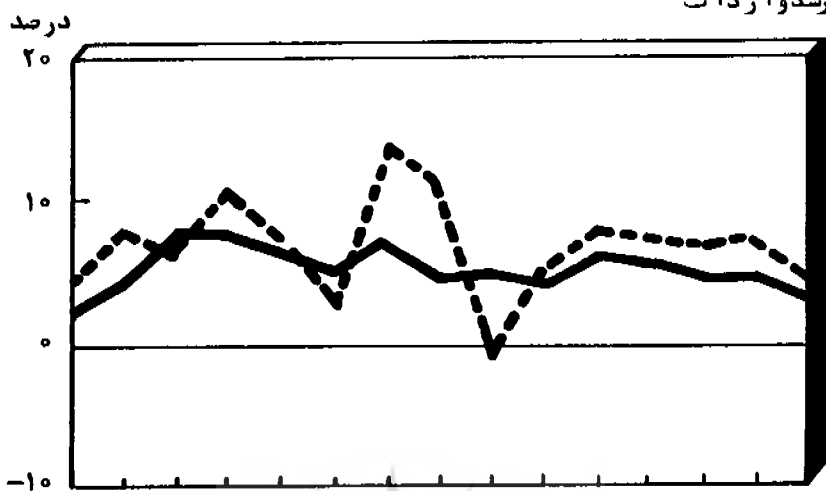
نتیجه گیری

○○○○○○○○○

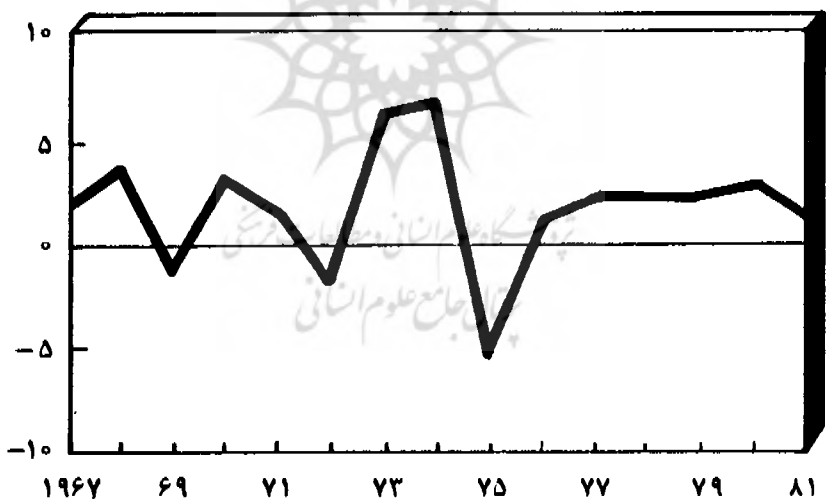
بطور خلاصه، شواهد موجود مبنی بر اینکه کاهش واردات طی چند سال اخیر خانوارها و شرکتها را در کشورهای در حال توسعه ناچار به خروج از منحنی های تقاضای دلخواه شان برای واردات کرده است، این کشورها و جامعه بین المللی را در سیاستهایشان دچار سردرگمی کرده است. وضعیت فعلی عمده "از طریق کنترل های اجرائی، در کوتاه مدت قابل

نرخ رشد تولید واقعی و واردات واقعی در کشورهای در حال توسعه و اردکننده سرمایه

— رشد تولید ناخالص داخلی
 - - - رشد واردات



اختلاف بین نرخ رشد تولید واقعی و واردات واقعی



منبع: International Monetary Fund, World Economic Outlook, April 1987.

تداوم بوده است. به دلیل وجود تقاضای برآورد نشده برای واردات، کاهش کنترل‌ها بدون بهبود قابل ملاحظه قابلیت رقابت کالاهای داخلی، ممکن است باعث افزایش سهم واردات در رشد در کوتاه مدت نسبت به روند درازمدت آن گردد، هرچند احتمال بیشتری وجود دارد که سهم واردات در رشد درازمدت به تجربه طبیعی دوره قبل از ۱۹۷۳ نزدیکتر شود تا به افزایش شدید واردات که طی دوره ۱۹۷۳-۸۱ اتفاق افتاد.

با این افزایش موقتی سهم واردات در رشد، یا بایدنرخ گسترش حجم واردات افزایش یا بدویانرخ رشد اقتصادی در سطوح پایین تداوم یا بد. در صورتی که قرار است گسترش واردات در کشورهای در حال توسعه با افزایش ناچیزی در بدهی آنها توأم باشد، افزایش حجم واردات نیاز به ترکیبی از رشد سریعتر در کشورهای صنعتی، افزایش امکان دستیابی به بازارهای کشورهای صنعتی یا کاهش زیادی در نرخهای بهره واقعی بین المللی، خواهد داشت. اگر قصد بر جلوگیری از ادامه‌کنندگی رشد در کشورهای در حال توسعه باشد، تنها راه چاره موجود گسترش فراوان جریان خالص منابع از جامعه بین المللی به سوی این کشورهاست.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منبع: Mirakhor Abbas and Peter J. Montiel,
"Adjustment and the Import Intensity of Output",
Finance and Development, December 1987. PP.
17 - 19.